

چکیده

الرّبا و الفائدة: دراسة اقتصادية مقارنة (به فارسی: ربا و بهره، یک مطالعه تطبیقی در اقتصاد است. دو نویسنده با (اقتصادی) حاوی دو مقاله و دو نقد درباره تفاوت ربا و بهره رایش متضاد دارد. تقابل دو اندیشه از دو متفکر اقتصاد اسلامی جهان عرب درباره یک رفیق یونس المصری، موضوع اقتصادی بنیادین در این کتاب خود را نشان داده است محقق و نویسنده سوری، تفاوتی بین بهره و ربا نمی‌بیند و از حرمت ربا با مفهوم دینی سخن می‌گوید و بر زدودن آن از اقتصاد سرمایه‌داری تکیه دارد و در مقابل، محمد ریاض الأبرش، دیگر اقتصاددان سوری و مدافع تفکرات لیبرالی و اقتصاد آزاد، میان ربا در سنت و ادیان، و بهره و سود در دنیای مدرن و اقتصاد جدید، تفکیک قائل شده و از آن دفاع می‌کند.

درباره کتاب و نویسندگان

الرّبا و الفائدة دراسة اقتصادية مقارنة، از آثار منتشرشده ذیل عنوان کلی «حوارات لقرنٍ جدید» توسط دو ناشر همنام (دارالفکر) در لبنان و سوریه است. این کتاب حاوی مناظره دو تن از اقتصاددانان اسلامی اهل سوریه درباره ربا و بهره در ارتباط با اقتصاد سرمایه‌داری است که به صورت دو بخش دو مقاله‌ای منتشر شده است.

در بخش اول کتاب، نخست مقاله دکتر رفیق یونس المصری (۱۹۴۲-۲۰۲۱م) با عنوان «فائدة القرض و نظریاتها الحديثة من وجهة نظر إسلامية» ارائه شده و در ادامه نقد و بررسی این مقاله توسط دکتر محمد ریاض الأبرش آمده است. در بخش دوم کتاب نیز ابتدا مقاله «الرّبا و الفائدة بین الفكر الغربی و الإسلام» به قلم محمد ریاض الأبرش درج شده و پس از آن نقد و بررسی کوتاه رفیق یونس المصری آمده است.

ربای قرضی و نظریه‌های جدید از دیدگاه اسلامی

رفیق یونس در مقاله خود درباره ربای قرضی، به مباحثی چون حکم جواز یا عدم جواز ربا در ارتباط با ابواب مختلف فقهی مانند قرض و مضاربه، ارزش‌گذاری برای عامل زمان در معاملات، حیل‌های ربا و دیدگاه‌های جدید در توجیه ربای قرضی پرداخته است.

حرمت یا حلیت ربا در ارتباط با ابواب مختلف فقهی

رفیق یونس، درک دقیق مفهوم ربا را به بررسی چهار باب فقهی قرض، مضاربه (القرض)، بیع نسیه (البيع الآجل) و تخفیف زودپرداختی (ضع و تعجل: کم کن و زود بگیر) پیوند می‌زند. به باور او، قرض، واگذاری مال بدون تقاضای اضافه‌ی مشروط یا توافقی است و فقط اصل مال به قرض‌دهنده باز می‌گردد، البته چون قرض نوعی صدقه محسوب می‌شود به قرض‌دهنده ثواب الهی می‌رسد (ص ۱۹). پیشنهاد نویسنده برای کسب سود از مال استفاده از عقد مضاربه است؛ زیرا نوعی شراکت و ریسک‌پذیری در سود و زیان در این نوع از عقد وجود دارد (ص ۲۰).

رفیق یونس نظر مشهور فقها مبنی بر جواز گرفتن پول اضافی در بیع نسیه را با شرط، یا ضمن عقد، مجاز می‌دانند؛ زیرا به نظر او زمان یا تحویل فوری کالا بخشی از ثمن معامله

هستند؛ البته اشاره می‌کند که بعضی از فقها گرفتن چنین مبلغ اضافی در خرید نسیه را ربا و حرام می‌دانند (ص ۲۰). به گفته او، فقهای که گرفتن زیاده در مقابل نسیه و تأجیل را پذیرفته‌اند، همچنین به جواز تخفیف و کاهش قیمت در برابر تسریع در پرداخت بدهی فتوا داده‌اند؛ در این صورت، در فروش نسیه اگر خریدار، وجه معامله را زودتر از موعد و کمتر از مبلغ پایان معامله پرداخت کند فروشنده می‌تواند مابقی مبلغ را ببخشد (ص ۲۱). البته نویسنده در اینجا فقط به تعجیل در پرداخت بدهی حاصل از بیع اشاره می‌کند نه تعجیل در پرداخت مطلق بدهی یا وام مدت‌دار به شرط تخفیف با پرداخت زودهنگام. ظاهراً جمهور فقها اهل سنت، به دلیل وجود احادیث متعارض، حرمت معامله و بیع به روش وضع و تعجل را ترجیح داده‌اند.

از نتایجی که رفیق یونس از چهار باب فقهی مرتبط با زیاده در عقود می‌گیرد این است که زیاده در بیع نسیه، اگرچه نوعی ربا محسوب می‌شود؛ ولی حلال است، چنانچه تعبیر ربای حلال در تعبیر فقها و مفسران وجود دارد (ص ۲۱). به گفته او در تقابل «احل الله»، همان‌طور که بعضی از بیع‌ها حلال (آیه ۲۷۵ سوره بقره) البیع» با «حرم الربا» در آیه ربا (و تعدادی از آنها حرام است، درباره ربا نیز بعضی از آنها حرام نیستند (ص ۲۲).

ارزش‌گذاری برای عامل زمان در معاملات

نویسنده درباره ارزش‌گذاری برای عامل زمان در معاملات (التفضیل الزمینی) معتقد است در اسلام برای عامل زمان در قرض ارزشی قرار داده نشده؛ ولی در مواردی مانند بیع الآجل (فروش مدت‌دار) یا اجاره، این عامل دارای ارزش مالی است (ص ۲۳ تا ۲۵). او در در کتاب الربا و [محمدباقر صدر](#) ادامه به بررسی و نقد دو مناقشه فقهی از [المودودی](#) و دو مناقشه اقتصادی از حازم البیلاوی و سعید نجار درباره مسئله کتاب [اقتصادنا](#) ارزش‌گذاری عامل زمان در معاملات می‌پردازد (ص ۲۶-۳۳). یونس رفیق، هر دو نظریه مودودی و صدر را رد می‌کند و مشکل را در عدم فهم دقیق و درست از ربای نسیه (زیاده در برابر مدت)، ربای نساء (زیاده بدون لحاظ مدت) و ربای فضل (مدت بدون زیاده) می‌داند (ص ۲۹).

از ربا در قرض مصرفی و تولیدی تا حیله‌های ربا

نویسنده، بعد از دو بحث ربا در اسلام و ارزش زمان و مدت در اسلام، در فصل ربای قرضی (فائدة القرض)، هجده موضوع را کوتاه بررسی می‌کند. دو موضوع ابتدایی، منافع و مضرات اجتماعی و اقتصادی ربای قرضی (ص ۳۴) و حکمت حرمت زیاده در قرض است (ص ۳۷). ربا در قرض مصرفی و تولیدی (ص ۴۱)، استثنای یتیم از حرمت ربا (ص ۵۴)، حیله‌های ربا (ص ۵۶)، تضمین سود در مضاربه (ص ۶۰) و کارمزد وام (ص ۶۲) از مباحث مهم این فصل کتاب است. وی ربای قرضی مصرفی (قروض الاستهلاک) را زشت‌ترین ربا می‌نامد (ص ۴۱) و ربای تولیدی نیز به دلیل سود احتمالی و کم یا زیاد بودن آن، حسب مورد ظلم به گیرنده یا پرداخت کننده قرض است؛ بنابراین بهتر است به صورت قرارداد مشارکتی و اشتراک در سود و زیان باشد (ص ۴۲).

در بحث حیل‌های ربا وی یادآوری می‌کند که حیل‌های شرعی مانند حیل‌های قانونی، زیاد هستند و بعضی از آنها قدیمی و برخی جدیدند (ص ۵۶). گفتگوی درباره حرمت ربا از گذشته بوده است و در واقع، حرمت ربا امتحان بزرگ الهی است حتی در میدان علمی و فقهی برای دوری از بدعت گذاری در ربا از روی اغراض مختلف (ص ۵۹).

نقد و بررسی دیدگاه‌های جدید توجیه ربا

رفیق یونس، در فصل دیدگاه‌ها درباره ربا (نظریات الفائدة) به شرح و نقد کوتاه یازده نظریه درباره توجیه و مشروعیت ربا (النظریات التبريرية المتعلقة بمشروعية الفائدة) می‌پردازد (ص ۶۴ تا ۷۴). یازده نظریه‌ای که مؤلف آنها را مردود می‌داند از این قرارند:

نظرية المخاطرة: زیاده در برابر ریسک عدم پرداخت بدهی (ص ۶۴)

نظرية التثمير: سود پول مانند درآمد از زمین و اموال غیر منقول (ص ۶۵)

نظرية الاستعمال: وجه استفاده پول (ص ۶۶)

نظرية إنتاجية رأس المال: سود، نتیجه ذاتی سرمایه (ص ۶۷)

نظرية الزمن: اجر در مقابل اجل (ص ۶۹)

نظرية التفضيل الزمني: ارزش زمانی مال و تفاوت قیمت حال و آینده (ص ۶۹)

نظرية تفضيل السُّيولة: ارزش زمانی نقدینگی (ص ۷۰)

نظرية العمل: پاداش پس انداز پول مانند دستمزد کار و عمل (ص ۷۱)

نظرية العمل المتراكم: مال مانند کار انباشته یا فعالیت غیرمستقیم (ص ۷۲)

نظرية الندرة: کمیابی و کمبود نقدینگی و سرمایه در صورت عدم سود (ص ۷۳)

نظرية التأمين: تضمین سرمایه با سود ناچیز از سود بزرگ ناشی از سرمایه (ص ۷۳)

نویسنده در پایان این فصل چند نقد مشترک ناظر به همه نظریه‌ها بیان می‌کند. به گفته او در اسلام سرمایه اگر کالا یا نقدی باشد می‌توان در ازای آن بخشی از سود را قرار داد ولی نمی‌توان فائده برای آن مقرر کرد. بنابر این نظریه‌های مذکور از این جهت که ثمره و سودی برای سرمایه ثابت می‌کنند، به اسلام نزدیک هستند و نیز می‌توان برای نقد نظریات اشتراکی که هر گونه سود سرمایه را نفی می‌کنند از آنها استفاده کرد (ص ۷۵).

المصری پس از این نقدها در خاتمه مقاله خود، شش نکته را تصریح می‌کند. مثل این که در اسلام کار و سرمایه هر یک می‌توانند عائدی مناسبی داشته باشند، و حکمت تحریم فائده ثابت برای سرمایه آن است که افراد ریسک‌پذیر شوند و ریسک فقط در طرف کار نباشد. او به مسلمانان توصیه می‌کند که اسیر نظریات اشتراکی و سرمایه‌داری نباشند و استقلال فکری خود را حفظ کنند (ص ۸۱).

نقد دیدگاه رفیق یونس المصری توسط محمد ریاض ابرش

محمد ریاض الأبرش، در جایگاه اقتصاددان نقد دیدگاه رفیق یونس المصری و نظرات خودش: در ۲۲ بند ارائه و نظریه وی را رد می‌کند (ص ۸۹ تا ۱۴۸). وی معتقد است

تفکر اسلامی خاستگاهی سنتی و فراگیر دارد و مستعد جدال‌های همیشگی بین موافقان و مخالفانش است، اما تفکر غربی برخلاف تفکر دینی توحیدی و ثنوی، از جمله اسلام، مسیحیت و یهودیت و بودیسم، به صورت مستمر پایه تجربه‌ای دارد و آخرین فرهنگ و تمدن بشری است که از یونان باستان تا امروز (نو لیبرالیسم) تاریخ دارد و ممکن است به زودی فرهنگ غالب جهانی گردد. تفاوت میان تفکر اسلامی و غربی مانند همان اختلافی است که بین فرهنگ و تمدن غربی و فارسی (ایرانی) وجود داشت. به طور کلی بین دو تمدن اسلامی و غربی تباین و اختلاف وجود دارد (ص ۹۱ تا ۹۳). مسئله، انطباق اسلام با علم اقتصاد یا بالعکس نیست، بلکه بررسی نگاه و روش غرب است و تبیین ماهیت و تفاوت ربا با مفهوم بهره امروزی (ص ۹۶)

ابرش تصریح می‌کند همان طور که المصری هم اذعان کرده است اکثر فقها بلکه همه فقهای مخالف ربا، بنا را بر تفاوت فائده (بهره) و ربا گذاشته‌اند؛ درحالی که اینان با مفاهیم و مبانی اقتصاد معاصر آشنا نیستند و نباید نصوص قرآنی و احادیث نبوی مانند حرمت ربا را از ظرف زمان خودش به امروز (مثل بازار ساده مدینه و مکه قرن هفتم میلادی با بازار پیچیده امروزی) توسعه بدهند. مضافاً اینکه فقها با هم اختلاف دارند و آرای فقهی ظنی و احتمالی است و در موضوعات تخصصی اقتصادی مطاع نیست (ص ۹۸)

به نظر ابرش اقتصاد و اسلام دو موضوع و عرصه مختلفند اما مجالی برای تلازم و عدم تعارض میان آنها وجود دارد؛ و آن پذیرش تفاوت بین ربا و بهره است (ص ۱۰۱). تحریم ربا مگر در مواردی که نص صریح آمده است جایز نیست و اصل همیشگی اباحه است، و تحریم ربا در جایی است که قیاس واضح و بدون شبه‌ای وجود داشته باشد و محدود است به تعاملات مشخص عصر نزول آیه (ص ۱۰۲)

بخش دوم کتاب: الربا و الفائدة بین الفكر الغربی و الإسلام

بر اساس سبک مجموعه «حوارات لقرن جدید»، بخش دوم کتاب، مقاله مستقل محمد ریاض الأبرش است که در آن موضوع بهره و ربا در اقتصاد جدید و غربی بررسی شده است و سپس نقد و بررسی این مقاله توسط رفیق یونس مصری آمده است.

گذر از ربا به بهره در تفکر غربی

تفکر غربی و اسلام دو اندیشه مختلفی است که بینشان برزخی وجود دارد و با یکدیگر مواجهه‌ای ندارند مگر اتفاقی و بدون قصد و هدف. تفکر غربی، با تاریخ و تطور طولانی، اندیشه‌ای واقع‌گرایانه و عمل‌گراست و به جز حقایق مسلم به چیز دیگری اتکا ندارد و از این رو از شک و تردید نیز دور است؛ اما تفکر اسلامی اندیشه‌ای فرابشری و فراگیر در زمان و مکان است و در آن نمی‌توان نظریه پردازی کرد (ص ۱۵۱). دین در تفکر غربی جایگاه کوچک و محدودی دارد اما در تفکر اسلامی بالاترین جایگاه را دارد و در آن به صورت مستمر تفسیر و تأویل می‌شود (ص ۱۵۵)

محمد ابرش، با مقایسه دو تفکر غربی و اسلامی، سابقه حکم ربا در تفکر غربی از یونان باستان (مانند افلاطون)، امپراتوری رم، قرون وسطی و سپس عصر روشنگری را گزارش می‌کند و معتقد است پس از رنسانس و ظهور اندیشه‌های اقتصادی جدید، مفهوم قدیمی ربا و مرتبط با قرض مصرفی، به مفهوم بهره برای پول و سرمایه تبدیل و جایگزین شده است. سرمایه نیز مانند زمین از عوامل منفعت است و به آن بهره و درآمد تعلق می‌گیرد؛ بهره سرمایه مانند اجاره زمین (ریع الارض) است (ص ۱۵۵ تا ۱۵۸). وی مفهوم اجاره زمین را عام‌تر از بهره (الفائدة) لحاظ و برای ریع سه معنا بیان می‌کند (ص ۱۵۹).

دیدگاه‌های جدید بهره پول در اقتصاد جدید

محمد ابرش نیز مانند رفیق یونس، به نظریات جدید درباره ربا و بهره اشاره می‌کند و به نظریه را طرح و بحث می‌کند:

نظرية التفضيل الزماني: ارزش زمانی مال و تفاوت قیمت حال و آینده (ص ۱۶۱)

نظرية تأجيل الاستهلاك أو التضحية و الانتظار: پوشش کاهش ارزش کالای مصرفی (ص ۱۶۲).

نظرية إنتاجية رأس المال: سود، نتیجه ذاتی سرمایه (ص ۱۶۳)

نظري الماركسية: رد نظام سرمایه داری و گنجاندن بهره در هزینه‌های محاسباتی (ص ۱۶۴).

نظرية التفضيل السُّوْلَة: ارزش زمانی نقدینگی (ص ۱۶۵)

نظرية الأرصدة المتوفرة للإقراض: اعتبارات موجود وام دهی در برابر میزان تقاضا و تعیین نرخ بهره (ص ۱۶۶)

نظرية العمل المتراكم: مال مانند کار انباشته یا فعالیت غیرمستقیم (ص ۱۶۷)

نظرية المخاطر: پوشش ریسک عدم پرداخت بدهی (ص ۱۶۹)

نظرية الإستعمال أو الاستئجار: وجه استفاده یا اجاره پول (ص ۱۷۱)

نویسنده مقاله بعد از ارائه این نظریات جدید، نخست بحثی درباره انواع تورم و رابطه آن با فائده را مطرح می‌کند و سپس دوباره بحث تفاوت بنیادی تفکر اسلامی و غربی را از منظر دیگر مطرح می‌کند و به نوعی دلیل و توجیه جدیدی به نظریات نه‌گانه قبلی اضافه می‌کند که ربا به معنای بهره، ضرورت حیات و اقتصاد عصر حاضر است. ابرش بین زمان تولد اسلام و دنیا مدرن تفاوت آشکاری می‌بیند که بخشی از آن در تفاوت بین اقتصاد شبانی بدوی آن روزگار با اقتصاد لیبرال دوران مدرن خود را نشان می‌دهد و به همین دلیل راه‌حل‌های آن اقتصاد مشکلی از دوران جدید حل نمی‌کند. ابرش معتقد است فائده در اقتصادی چیزی است که هیچ گریزی از آن نیست (ص ۱۷۵ تا ۱۸۰)

نقد دیدگاه محمد ریاض ابرش توسط رفیق یونس المصری

پایان بخش کتاب، نقد کوتاه رفیق یونس (نویسنده مقاله اول) درباره دیدگاه محمد ابرش (نویسنده مقاله دوم) است. رفیق یونس، سخن محمد ابرش در مقایسه تفکر غربی و اسلامی را رد می‌کند و معتقد است برخلاف نظر محمد ابرش، دو اندیشه اسلامی و غربی با هم تلاقی داشته‌اند و حتی غرب از تفکر اسلامی بهره و استفاده برده است. همچنین مقایسه دو اقتصاد اسلامی و غربی نتایج مثبت خوب و زیادی دارد؛ مانند شناخت آنچه اقتصاد غربی از اسلام و دانشمندان اسلامی استفاده کرده است، شناخت تفاوت‌ها و تمایزهای دو اندیشه اقتصادی و تلاش اجتهادی برای نظام اقتصادی اسلام (ص ۱۸۶ و ۱۸۷).

وی تفاوت بهره و ربا را از نگاه محمد ابرش رد می‌کند و به توضیحاتی که در مقاله اش داده است ارجاع می‌دهد و به اصول و مبانی ثابت و احکام متغیر در اسلام اشاره می‌کند (ص ۱۸۸). همچنین تأکید می‌کند علمای اسلام هر چند انبیای معصوم نیستند، اما وظیفه دارند به قدر توان اجتهادی و بشری خویش و توجه به مقاصد شریعت، حق و صواب را استنباط کنند (ص ۱۸۹). برخلاف اتهامی که به آنها زده شده، ایشان اقتصاد را می‌شناسند و اقتصاد اسلامی یک اقتصاد خیریه و آخرت محور نیست بلکه قدرت و صلاحیت اداره کشور و مسلمین را در دوره جدید دارد و این اقتصاد سرمایه‌داری است که مجالی برای خیر و ایثار نمی‌گذارد (ص ۱۹۰).

